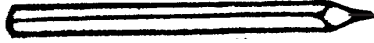


حقوق کودکان الان!

Children's Rights Now!

بولتن خبری - سال اول، شماره ۲ - اکتبر ۹۹



کودکان و تحصیل

خزانه واریز می‌کنند. در بخش صنعت و خدمات زمزمه شنیده می‌شود که آقا چرا ما ۲ درصد بدهیم؟ ما توضیح دادیم این ۲ درصد را شما نمی‌دهید، مردم می‌دهند.

اگر گسترش فقر و بیکاری، و پائین رفتن توانائی خرید و مصرف خانواده های ایرانی را نسبت به بالا رفتن سرسام آور هزینه های زندگی و اولیه ترین مواد و وسائل زندگی (نان و آب و برق و مسکن و...) در طول این چند سال اخیر (از سال ۹۵ تا ۹۹) بسنجیم، اسفناک بودن اوضاع آموزش و پرورش بیشتر آشکار می‌شود. آنجا هم که به هر تقدیری کودکان به مدرسه می‌روند، معیارهای آموزش و پرورش آنها را از محیط مدرسه فراری می‌دهد. نمونه زیر این معیارها را نشان می‌دهد: "نمودار صفات دانش آموز نمونه: درختی را با مقوا تهیه کرده و روی آن را با گلهائی می‌چسبانیم و روی هر گل نام یکی از صفات دانش آموز نمونه مانند: حجاب، نماز، روزه، غیبت نکردن، تهمت نزن، انضباط داشتن، احترام به اولیای مدرسه و دانش آموزان دیگر، درس خواندن، امر به معروف و نهی از منکر و غیره را می‌نویسیم. هر دانش آموزی که این صفات را بطور کامل داشته باشد به عنوان مبصر کلاس انتخاب می‌شود." (از این راه هم می‌توان، عنوان مقاله‌ای در موثر بودن تشویق، مندرج در مجله «گزارش»، ضمیمه ۵۵ ویژه آموزش)

و همه اینها در حالی است که در همین شماره مجله «گزارش» آمده است که: "۱۷ هزار دانش آموز ایرانی در ۱۱۷ واحد آموزشی مستقر در کشورهای خارجی سرگرم تحصیلند. امور این ۱۱۷ مدرسه را متجاوز از یک هزار پرسنل رسمی وزارت آموزش و پرورش و یا کادر حق التدریس بگیر اداره می‌کنند. برای اداره این مدارس سالانه به حدود ۱۸ میلیون دلار هزینه ارزی نیاز است که در سال جاری سهمیه‌ای از این بابت برای وزارت آموزش و پرورش منظور نشده است، بدین لحاظ بنظر می‌رسد این مدارس ناگزیرند به سمت خودگردانی حرکت کنند." معنی عملی این حرف آن است که تا قبل از این ناگزیری، در حالی که کودکان اکثریت عظیم جامعه یعنی کودکان کارگران بی حقوقی که بعضا ۹ تا ۱۰ ماه حقوقشان را دریافت نکرده‌اند، به عوض آن که تحصیل برایشان اجباری باشد، به اجبار ترک تحصیل می‌کنند. و در همان حال، وزارت آموزش و پرورش و دولت سالانه ۱۸ میلیون دلار خرج آموزش مذهبی یا تدریس زبان فارسی به فرزندان سفرا و دیپلمات‌ها و بخشی از ایرانیان در خارج از ایران می‌کنند!

اشتغال به تحصیل کودکان در ایران، یکی از مهمترین مسائل و مشکلات خانواده ها و از کمبودهای بارز جامعه است. کیفیت ضعیف آموزش و پرورش، آموزش اجباری دروس مذهبی، و رایگان نبودن تحصیل، در شرایط تنگناهای مالی خانواده ها، عملا کودکان زیادی را از تحصیل محروم و مدرسه و تحصیل را برای آنان غیر جذاب و بی تفاوت کرده است. عدم اختصاص بودجه کافی و بی قیدی نسبت به تحصیل کودکان، ایجاد مدارس غیر انتفاعی که در واقع با سرمایه گذاری والدین و... بوجود آمده و بخشا نقش مدارس خصوصی را ایفا می‌کنند، تقسیم بندی این مدارس به آنان که توسط مقامات دولتی پایه ریزی شده‌اند، آنان که توسط کارمندان و کارکنان وزارت آموزش و پرورش سرمایه گذاری و اداره می‌شوند، مدارس ویژه کودکان مستعد بی بضاعت، بخش مردمی و... همه و همه فقط نشان از یک چیز دارند: به آموزش و پرورش توسط دولت توجهی نمی‌شود؛ بودجه کافی برای آن اختصاص نمی‌یابد؛ و جامعه ناگزیر از ارائه آльтرناتیو و اقدام شخصی شده است.

بنا به نوشته مجله «گزارش» ویژه نامه آموزش، ضمیمه شماره ۵۵ سال ۹۵، ۶۷ درصد دانش آموزان مدارس غیر انتفاعی را فرزندان کارمندان تشکیل می‌دهند. آقای زرهانی، معاون وزیر آموزش و پرورش، در مصاحبه با این مجله می‌گوید: "در ماده ۱۳ قانون شوراها و در برخی دیگر از موارد، راههائی عرضه شده که آموزش و پرورش برای تامین منابع در ارتباط با همه استانها قرار می‌گیرد. با اجرای این قانون ما می‌توانیم متوقع باشیم که بعد از ده سال مدرسه دو شیفت و سه شیفت نداشته باشیم. مدارس ما دارای آزمایشگاه، کارگاه، کتابخانه و نمازخانه باشند و هیچ معلمی زیر خط فقر زندگی نکنند." وی در قسمت دیگر این مصاحبه می‌گوید: "اگر مجاز باشیم یک کلمه فرنگی بکار بریم، مانیفست وزارت آموزش و پرورش، اجرای قانون شوراهاست. به این دلیل که هر شهروند ایرانی موقع خرید بخش اندکی از توانائی مالیش را به آموزش و پرورش می‌دهد. در آمریکا تا ۱۰ درصد می‌گیرند، ما ۲ درصد می‌گیریم. در آلمان بخش صنعت ۸۵ درصد از هزینه های آموزش و پرورش متوسطه را تامین می‌کند، ما الان از بخش صنعت چیزی نمی‌خواهیم. ما از مصرف کننده می‌گیریم. فقط بخش صنعت و خدمات رابطی هستند که این پول را دریافت و به حساب

بچه ها مدرسه های بهتر می خواهند، خانواده ها در پی قولنامه های ساختگی!

در مدارس دولتی علاوه بر بالا بودن هزینه خرید کتاب و لوازم آموزش، اونیفورم و شهریه، کیفیت آموزش بحدی پایین است و آنچنان با مذهب یکی شده که علیرغم گرانی سرسام آور مدارس خصوصی (غیر انتفاعی و...) خانواده های زیادی برای اطمینان خاطر از آموزش مناسب کودکانشان و تامین آینده بهتر آنان به هر طریقی که شده، حتی با تقلب، سعی در فرستادن کودکانشان به مدارس غیر دولتی دارند. به خبرهای زیر در زمینه کار کودکان و آموزش و پرورش آنها توجه کنید.

"این روزها اولیای برخی از دانش آموزان سخت در تکاپو هستند تا فرزندان خود را در یک مدرسه مناسب تر از مدارس دولتی ثبت نام کنند. بسیاری از آنان با پرداخت هزینه های گزاف از ۱۰ تا ۴۰ هزار تومان به بنگاههای معاملات املاک، قول نامه های جعلی دریافت می کنند تا با تحویل آن به مدارس غیر دولتی، فرزندان در مدرسه مورد نظر ثبت نام شود و فرصت بیشتری برای شکوفائی استعدادهای فرزندان خود فراهم آورند. به گفته یکی از مسئولان آموزش و پرورش، از ۹۰۰ مورد ثبت نام در یکی از مدارس برتر منطقه ۶ نزدیک به ۸۵۰ مورد آن بر اساس قول نامه های جعلی صورت گرفته است.



عکس از: علی تمدن

مسئول ستاد ثبت نام استان تهران اکثر مشکلات والدین و مراجعان به آن ستاد را باب طبع نبودن مدرسه محدوده محل سکونت آنان ذکر کرد و گفت: امسال ثبت نام دانش آموزان بر اساس محدوده محل سکونتشان صورت می گیرد.

یکی از مسئولان آموزش و پرورش با تاکید بر این نکته گفت: "در حال حاضر ظرفیت بسیاری از مدارس دولتی خصوصا شمال شهر تهران تکمیل نشده است، اما مدارس غیر انتفاعی پس از تکمیل ظرفیت هنوز با درخواست ثبت نام مواجهند."

روزنامه «توس»، پنجشنبه ۲۲ مرداد ۱۳۷۷، ۱۳ آگوست ۹۸، (معصومه شهریاری)



بهترین کتابهای شعر و داستان ویژه کودکان و نوجوانان که در بیست سال گذشته با موضوع انقلاب اسلامی و امام خمینی منتشر شده اند

کانون پرورش فکری کودکان و نوجوانان از نویسندگان، شعرا و ناشرانی که در بیست سال گذشته، تا پایان سال ۷۷، کتاب هایی با موضوع «انقلاب اسلامی» و زندگی امام خمینی برای کودکان و نوجوانان منتشر کرده اند، دعوت کرد دو نسخه از آثار خود را برای شرکت در مراسم انتخاب کتاب به دفتر جشواره کتاب کودک و نوجوان ارسال کنند.

روزنامه «شباط»، ۲۶ آگوست ۹۹

طرحی برای جوانی کردن جوانان

حجت الاسلام مشکینی مسئول سازماندهی تشکلهای غیر دولتی شرکت کننده در همایش «مشارکت نسل جوان ضرورت ملی و انتظارات جوانان» با اعلام این مطلب گفت: "تشکلهای غیر دولتی اجرای برخی طرح های مربوط به جوانان را بر عهده خواهند گرفت. مسئولیت بسیاری از نهادهای ملی اکنون باید معطوف به افزایش درک نهاد خانواده و مدرسه نسبت به خصوصیات جوان امروز شود." محمد حسین ملکوتی منش دبیر اجرایی طرح مشاوره و گفتگوی ملی با جوانان نیز گفت: "اگر نتوانیم فضاهای مناسب برای طرح دیدگاههای جوانان از زبان خودشان را فراهم سازیم، مسلما جوانان ارتباط شان به جمع های کوچکی هدایت می شود که به دلیل غیر قابل کنترل بودنشان هیچ محاسبه ای روی آن نمی شود انجام داد." مرکز ملی جوانان عهده دار اجرا و سازماندهی دو طرح سازماندهی تشکلهای غیر دولتی و گفتگو و مشاوره ملی با جوانان است. محوری ترین و اصلی ترین ماموریت این مرکز «مهندسی دوره جوانی در جمهوری اسلامی ایران است».

منظور از مهندسی دوره جوانی به وجود آوردن مجموعه شرایط و امکانات لازم برای «جوانی کردن جوانان در جمهوری اسلامی ایران است». به عبارت دیگر فراهم کردن شرایط برای نقش آفرینی جوانان، دستگاههای ملی، خانواده و نهادهای مدنی برای تحقق قانونمندی های حاکم بر دنیای جوانان است.

روزنامه «ایران»، سه شنبه ۳۰ شهریور، ۲۱ سپتامبر ۹۹

Produced by: *Sussan Bahar*

Adress:

Darvag

Box 854

101 37 Stockholm - Sweden

English translation: *Parvin Ashrafi*

e.mail: *crn@hotmail.com*

e.mail: *darvag@swipnet.se*

Tel: (46) 70- 77 162 27

Fax: (46) 8-796 94 61